

پیشوایان متفکر و خودکشی از ترس مرگ!



پیوسته به گذشته قسمت یکصد و هفتادم :

حکایت است خان یک روستا که تازه جان به حق سپرده بود و ناظر اش می خواست در مراسم ختم خان مرحوم چیزی در وصف او بگوئید از پیرمردی پرسید چطور است که خطاطی خان را تمجید کنم ، پیر مرد گفت ، خط او که بسیار بد بود ، باز ناظر پرسید چطور است که در وصف عدالت خان سخن بگوئیم ، پیرمرد گفت که باعث آبرو ریزی است ، باز هم ناظر پرسید چطور است که در باره شجاعت وی حرف بزنم پیر مرد پرسید که چه شجاعتی ؟ ناظر مجدداً پرسید پس درباره خان چه بگوئیم ؟ پیرمرد کمی فکر کرد و گفت ، حال که مجبور هستی چیزی بگوئی درباره همان خط اش حرف بزن ولی حتماً بگوئی که خط میخی داشت .

<http://www.dailymotion.com/video/x5r4rdd>

وقتی یکی از چند مین متفکران دنیا در لباس کریهی از **ریاست حکومت وحدت " مالی " افغانستان** که متملقان و درباریان از باب کم فهمی نسبت به **"اسلام و دموکراسی"** آنرا رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان میخوانند در یک محفل مذهبی کسی را که نام و کارنامه هایش از چندصد سال بدینسو سمبول آزادی خواهی و عدالت بوده و در دائره شناخت هویت ملی ما محسوب میشود نواسه خدا بنامند



و این اشتباه نه فقط یک مرتبه و صرف در باره حضرت امام حسین (رض) بلکه چندین بار از سوی کسی که ادعای چندین سال پژوهش در تاریخ اسلام داشته صورت گرفته است . تجربه نشان داده است که این متفکر گران مایه که هدیه الهی برملت و همه امت است از بدو نصب شدن بر منصب داروغه گی در خانقاه ارگ چندین مرتبه دُچار اینگونه اشباهات فاحشی شده است .

<https://www.youtube.com/watch?v=WqX5ojQP8G8>

طبیعی است که میکانیزم اجماع ملی را که بصورت مستعجل و پس از حادثه دردناک چهارراهی زنبق کابل برسر زبان آورد و از اجماع مشروعیت دهی برای رژیم مافیائی اش از آن یاد آوری نمود تا سرحد تصمیم گیری برای پاک کاری شیشه های سیاه موتر ها که در حد صلاحیت های پولیس ترافیک جاده ها می گنجند خلاصه گردد .

http://www.dailymotion.com/video/x5r04ot_4

همه ما شاهد حالت دردناکی هستیم که همه فعالان و روشنفکران سیاسی و مذهبی جامعه افغانی وقتی از حل فاجعه جاری در افغانستان سخن به میان می آید نه تنها خود و گروهش را یگانه وارث راه و

نقشه ای میدانند که همه نیازهای انسان معاصر را حل و فصل میدارد و تمامی نیروهای دیگری را به بی برنامه گی و بی بدیلی حاکمیت کنونی در افغانستان میدانند . این گونه اظهارات آنها در حد نگرهبانی از رژیم مافیائی حاکم بر افغانستان کاملاً به جا است اما وقتی از اندیشه و مکتبی سخن به میان آید که اساساً ادعای نگاه فلسفی ویژه ای به هستی و انسان را دارد و کاملاً با تفکر حاکم بر کشور در مغایرت قراردارند ناگزیرباید با حوصله مندی و عقلانیت پاسخ همه نیازهای مادی و معنوی بشر امروزی را دریافت .



با تأسف باید گفت که هر دوجریان بنیادگرای مذهبی شریعتمدار غیر اجتهادی وجریان مادی گرایی سکولارشبه عقلانی به جای حل فوری نیازهای انسان معاصر به نسخه های نخستین دوران ظهورایدئولوژی ها و اندیشه های مورد نظرشان رجعت می نمایند . جایی تأسف آنجا و آنگاه است که هر دو جریان بنیادگرای اجتماعی (بنیادگرای مذهبی شریعت مدار غیراجتهادی و سکولارهای مادی) که نبض تاریخ را دردست گرفته اند افکار و اندیشه های خویش را به عنوان مصالحه ساخت و ساز نقشه راه تمامی نسل ها و در همه عصرها و بدیل تجربه شده برای استبداد حاکم می پندارند !

https://www.youtube.com/watch?v=gdWNomRCWlc&ab_channe

اسلام راه حل است ؟ با کدام قرنت فلسفی وگفتمان تکاملی انسان درتاریخ ؟

برای ورود به این بحث باید توجه داشته باشیم و به این پرسشهای اساسی فلسفه تاریخ پاسخ علمی داده باشیم که جایگاه انسان در هستی چیست و مؤلفه های سرشت و هویت وی کدام اند ؟ زیرا کاملاً بی معنا خواهد بود که قبل از اینکه سرشت - هویت - مشخصات و شخصیت و جوهر خواسته ها... انسان شناخته شود مکتبی راه روشی و ایدئولوژی و اخلاقی و احکامی برای زندگی وی تعیین نماید برخلاف برخی مدعیان دگم اندیش و بنیادگرای مذهبی که اسلام را با پارامترها و فیصدی ها اندازه گیری میکنند اسلام بحیث نقشه راهی کاملاً علمی و دارای فلسفه آفرینیش انسان تعریف و بازگوشده است . مقام و منزلت او ذکر شده و نیازهای او باهمه پیچیده گی هایش را باوحي الهی صریحاً و تلویحاً اذعان شده است . درعین حال بحث انسان شناسی آنچنان با مباحث تاریخ ، فلسفه تاریخ و نبرد خلق الله با زشتی و ابلیس طینتی ، نبرد حق و باطل و جامعه شناسی و تحوّل و تطور و مقولات دیگر درهم آمیخته است و تصویر وجودی انسان ، و عینیت او درتاریخ و جامعه اموری اند که قبل از صدورحکم و ایدئولوژی و نقشه راه رستگاری باید تبیین شوند.



تغییر در باورها و یا سرابی از یک فریب بزرگ ؟

مدتها در نوشته ها ، دفاعیه هاو سخنرانی های خود و حتی با این فهمی که دیگر نه میتوان ملتها را با لاطائلات و معجون بنام مذهب مسخ شده و یاهم بی دینی شبه علمی و سکولار فریب داد آنچه که در این میان برای همه آزاد اندیشان اعم از دین باوران و یاهم کسانی که با دین و دیانت میانه خوبی ندارند ماسوا ازاینکه نسبت به گذشته جنجال آمیز اش درجنگهای داخلی سوالات فروانی وجود داشته باشد و آنرا ملاک عمل امروزی به شمار آورند موجب تعجب و تأسف شد مواضع جنجال برانگیز اخیر جناب گلبدین حکمتیار رهبر شاخه ء حزب اسلامی حکمتیار بوده که پس از ظهور بیست ساله آن حضرت و درسخرانی های گوناگون اش شنیده میشوند . آخرین سخنانش اش در کابل که بحیث حامی سرپاقرص نظام کنونی سخن میگفت از تمامی مخالفان نظام خواست که از شعارهای تغییر نظام دست بکشند و تغییر نظام را در شرائط کنونی به نفع مردم نه مبینند .

<http://www.dailymotion.com/video/x5pohyn>

هرتغییری که می آید از داخل نظام و با داشتن یک بدیل برای تغییر و اصلاح بوده باشد .میخواهیم برای خاتمه جنگ با این حکومت تعاون کنیم واز دیگران هم می خواهیم که این نظام را به عنوان یک واقیعت هرچند تلخ قبول کنند و مطالبه تغییر نداشته باشد وتلاش نکنند که این نظام تضعیف شود ، تضعیف نظام به نفع ملت وکشور نیست ...

https://www.youtube.com/watch?v=OMHZkx7WUIE&ab_channel=nauandeshiTerbione

این سخنان را جناب گلبدین حکمتیار پیشوای که تازه از جمکران لغمان شریف ظهور فرموده است که حضرتش فقط چند ماه قبل از ظهورش در گفتگوهای فروانی با رسانه های ملی و بین المللی این نظام را دست نشانده و فاقد هر نوع استقلال و آزادی خوانده بود و اکنون سوالی که پیش می آید این است که آخر چه شد و چه قدرت زمینی و آسمانی سبب اینگونه تغییر در وجود مبارک شده است ؟ برآستی هم اگر جناب حکمتیار به این نتیجه رسیده باشد که واقعاً جنگ راه حل نیست و وی با فهم تازه ای که ازمتون عدالت پرورانه و آزادی بخش اسلام دریافته است جنگ وخشونت را حرام و مردود میداند امرمبارکی است و باید آن را ستود و کار بزرگان تاریخ را داشته است . اما با تأسف که حالت روانی وی و ماهیت اعتقاداتش که حین ایراد سخنرانی ها و خطبه هایش در محضر عام و یاهم در دید وبازدید های وی با مردم به مشاهده میرسند حکایت ازیک فریب بزرگی را دارند

<https://www.youtube.com/watch?v=Q1NViQnka-Y>

وروی همین علت هم گاهی درسخرانی هایش بویژه درمحضر کسانی که از بیماری تعصبات قومی و نژادی و یاه مذهبی رنج میبرند علائیم یک دیکتاتور و فاشیست قومی به مشاهده میرسند که طی چند دهه بحرانی که در میان مردم نجیب اما تحقیر شده افغانستان به عنوان دلالان قومی وفرقوی شناخته شده اند .

